



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضوان الله عليه در ولایت فقیه اولین دلیلی که برای وجوب تأسیس حکومت اسلامی ذکر کردند آیه ۵۸ و ۵۹ از سوره نساء بود، آیه اول این است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾<sup>۱</sup>، چند مطلب درباره این ذکر کردند؛ اول تفسیر آیه است البته باید بدانیم که ما وقتی آیات قرآن را تفسیر می کنیم مدرک ما فقط ادبیات و فهمیدن معنای آیه نیست بلکه باید به اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم چون آنها بیاناتی در رابطه با تفسیر آیات دارند، گاهی امام صادق علیه السلام با کسانی که ادعا می کردند که بر اساس آیات قرآن گام بر می دارند مثل ابو حنیفه بحث می کردند و بعد به او می فرمودند تو قرآن را نمی فهمی فقط ادعا می کنی "إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ" و قرآن در بیت ما نازل شده، بنابراین اهل سنت امانات را فقط به امانات مالیه تفسیر کرده اند ولی اهل بیت علیهم السلام آیه را طور دیگری تفسیر می کنند.

آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در جلد ۴ تفسیر المیزان می فرماید تفسیر آیه به امانات مالیه تنها صحیح نیست زیرا ما در تفسیر قرآن باید به آیات قبل و بعد نیز مراجعه کنیم و آیات قبل از این آیه در این رابطه هستند که علماء یهود در اثر حسد و کینه ای که به مسلمانان داشتند با اینکه نصیبی از کتاب داشتند مطالبی می گفتند که قرآن آنها را رد می کرد و قبول نداشت پس از این جهت آیه به آیات قبل نظر دارد و با توجه به آنها آیه می گوید کسی که عالم است علوم و معارف او که در سینه دارد امانتی از جانب پروردگار متعال می باشد که باید آنها را درست به اهلش یعنی به مردم برساند، به عبارت دیگر چون آنها یعنی یهود نصیبی از کتاب داشتند مطالبی به مردم می گفتند که اسلام و قرآن آنها را قبول نداشت یکی از آنها همین مسائلی بود که درباره پیغمبر و اسلام می گفتند لذا این آیه که می گوید امانات را به اهلش برسانید یعنی آن علوم و

معارف حقه که در کتب خودتان هست را به مردم بگوئید بنابراین با توجه به آیات قبل نباید بگوئیم منحصرآ آیه مربوط به امانات مالیه می باشد.

مطلب دیگر اینکه ما روایاتی داریم که می گویند در آیه نه تنها امانات مالی و نه تنها معارف حقه بلکه امامت که خودش شأنی از شئون الهی است نیز مراد می باشد به این بیان که باید امام سابق امام بعد از خودش را معرفی کند تا اینکه مردم او را بشناسند همانطور که پیغمبر خدا حضرت امیر علیه السلام را معرفی کرد بنابراین امانات یک معنای عامی دارد که هم شامل امانات مالیه است که ظاهر آیه همین است و هم شامل معارف حقه ای است که در سینه علماست و این از آیات قبل استفاده می شود و هم شامل مقام و موقعیت امامت است که از روایاتمان استفاده می شود.

در اسلام هدایت و حکومت هر دو مال اهل بیت علیهم السلام است یعنی ما هم احکام خدا را باید از اهل بیت علیهم السلام بگیریم نه از حنفی و شافعی و حنبلی و مالکی و همین طور حکومت نیز برای اهل بیت علیهم السلام می باشد بنابراین آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه امام سابق باید امانات که اعم از معارف حقه که مربوط به هدایت است و امامت که مربوط به حکومت است را به امام لاحق منتقل کند، بعضی از رفقا می گفتند چطور امامت منتقل می شود؟ اینها یک چیزهایی هستند که ما درست نمی توانیم درک کنیم اما یک حالت و خصوصیتی در روح امامی که امام می شود وجود دارد که برای ما قابل درک نیست، گاهی که در حضور مردم وحی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل می شد و حالتی بر ایشان عارض می شد که مردم می دانستند حضرت در حال تلقی وحی از جانب خدا می باشد لذا صبر می کردند و بعد از چند دقیقه حضرت می فرمودند فلان آیه نازل شد اما آن حالت را کسی درک نمی کرد و امامت نیز یک مقام و موقعیتی است که در روح او یک خصوصیتی بوجود می آید که برای ما قابل درک نیست، علی آئی حال امام رضوان الله علیه با این تفصیل از آیه استفاده کردند که مربوط به حکومت اسلامی می باشد زیرا امامت یعنی رهبری و خداوند هیچوقت مردم را بدون رهبر نگذاشته است، در اصول کافی نیز روایاتی داریم که اگر دو نفر بر روی کره زمین باشند یکی از آنها امام و رهبر می باشد و اولین کسی که خداوند خلق می کند امام است و آخرین کسی

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۵۸.

هستم، منتهی امام رضوان الله علیه می فرمایند مراد از اولی الامر ائمه علیهم السلام و کسانی که آنها نصب کنند می باشد بنابراین چونکه ولی فقیه نیز به حکم اهل بیت علیهم السلام منصوب است لذا آیه شامل ولایت فقیه نیز می شود و در صورت غیاب امام فقیه نیز باید مورد اطاعت قرار بگیرد.

امام رضوان الله علیه در اینجا به سراغ مطلب دیگری نیز رفته و فرموده ما که می گوئیم طبق آیه امام باید مورد اطاعت قرار بگیرد در واقع ما باید امام را به عنوان یک پناهگاه بدانیم، ما دو جور اطاعت داریم؛ یک اطاعت از ترس و یک اطاعت به عنوان پناهگاه که اطاعت از ترس در سلاطین دنیا وجود دارد ولی مراد ما از اطاعت این نوع نیست بلکه اطاعت به معنای پناهگاه بودن مراد است یعنی چونکه امام پناهگاه است از او اطاعت می کنیم، این شخص خودش قبول دارد که بایستی عدالت و راستی و درستی در جامعه باشد اما اگر این موارد به خطر بیافتند به امام پناه برده می شود پس امام از نظر آیات و روایات و فرهنگ ما یک پناهگاهی می باشد و اطاعت از او بخاطر ترس نیست بلکه برعکس از روی محبت از امام پیروی می کنند و حتی جان خودشان را برای امام می دهند.

امام رضوان الله علیه بعد از ذکر مطالب مذکور به سراغ روایات باب حد السرقة رفته اند و به برخی از اخبار این باب استناد کرده اند که بماند بریا بعد إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

که قبل از قیام قیامت قبض روح خواهد شد امام و رهبر خواهد بود بنابراین هیچوقت سطح زمین از امام و رهبر نباید خالی باشد و آیه نیز دلالت دارد بر اینکه امام سابق باید امامت و رهبری را به امام لاحق منتقل و او را به مردم معرفی کند، این قسمت اول آیه بود که به عرضتان رسید.

در قسمت دوم آیه گفته شده: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾<sup>۲</sup> که این نیز یک معنای وسیعی پیدا می کند زیرا وقتی که بنا شد امامت و امانت به آن وسعت باشد بعد از اینکه امامت به کرسی نشست و تأسیس شد باید تشکیلاتی بوجود بیاورد تا احکام و معارف را به مردم برسانند و در بین مردم به عدل حکم کنند.

مطلب دیگر اینکه بعد از بوجود آمدن امامت و حکومت به ترتیبی که بیان شد در آیه بعد به سراغ وظیفه مردم می رود و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۳</sup>، باز در اینجا بین ما و اهل سنت اختلاف شدید وجود دارد آنها چونکه به دنبال اهل بیت علیهم السلام نیستند از این جهت اولی الامر را طور دیگری معنی کرده و می گویند سلطان هر زمانی اولی الامر است لذا اطاعت از او لازم است از طرفی نیز معلوم است که در میان مسلمانان سلاطین زیاد هستند لذا آنها گفته اند مراد از اولی الامر اُمراء جیوش می باشد که خب اینها نیز زیاد هستند بعلاوه خود قرآن می گوید: ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾<sup>۴</sup> یعنی امامت به ظالم نمی رسد درحالی که اینها ظالم هستند و اگر قرار باشد اولی الامر را اینطور معنی کنیم باید یزید و معاویه و تمام پادشاهان و سلاطین ظالم را در نظر بگیریم فلذا همان طور که مجمع البیان گفته در اینصورت اختلاف شدید بین مسلمانان پیش می آید زیرا سلاطین و اُمراء در بین مسلمانان زیاد هستند درحالی که خود قرآن از اختلاف نمی کرده است بنابراین چنین حرفی درست نیست بلکه باید گفت مراد از اولی الامر ائمه معصومین علیهم السلام هستند زیرا اطاعت خدا و رسول و اولی الامر مطلق بیان شده و اطاعت مطلق جز نسبت به معصوم از کس دیگر صحیح نمی باشد زیرا در غیر اینصورت هرکسی که یک قدرتی دارد ادعا می کند من اولی الامر و مصداق این آیه

<sup>۲</sup> سوره نساء، آیه ۵۸.

<sup>۳</sup> سوره نساء، آیه ۵۹.

<sup>۴</sup> سوره هود، آیه ۱۱۳.